



تجلی فضائل علی (ع) در دیوان صاحب بن عباد

دکتر علی پیرانی شال

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

اسماعیل بن عباد بن العباس ملقب به صاحب، وزیر فرهیخته و شاعر برجسته ایرانی عربی سرای قرن چهارم قمری است. وی علاوه بر منزلت علمی والایش توانست در طول مدت وزارتش بنا به گفته یاقوت حموی به خاطر خدمات ارزنده خود، در میان آل بویه و هم عصران خود از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار شود. نویسنده کتاب مشهور «یتیمه الدهر» یعنی الثعالبی آورده است، هیچ وزیری همچون صاحب، ادبا و شعرا و دانشمندان را در دربار خود گرد نکرده است. مورخان، آثار وی را افزون بر ۳۷ کتاب برشمرده‌اند که دیوانش مهم‌ترین اثر وی می‌باشد. صاحب بر حسب مطالعه‌ای که نگارنده این مقاله از دیوان و زندگی وی انجام داده است، ارادت خاصی به اهل بیت به ویژه حضرت علی (ع) دارد، به گونه‌ای که در بیشتر اشعار خود در خلال چند بیتی به توصیف فضائل این امام همام که همواره لحظه لحظه زندگیش الهام‌بخش رهروان حقیقت بوده، پرداخته است، اگرچه قلم بشر را توان نیست تمام خصلتهای نیک آن حضرت را به تصویر بکشد، ولی نگارنده سعی دارد پاره‌ای از مهم‌ترین فضیلت‌های آن گوهر هستی که صاحب بن عباد بیشتر به آن پرداخته را به خوانندگان معرفی کند، باشد که مقبول آن یگانه روزگار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: علی (ع)، رسول خدا (ص)، صاحب بن عباد، فضیلت، اشعار.

مقدمه

در میان شاعران بزرگ، کمتر شاعری را می‌توان یافت که از حضرت علی (ع) و فضیلت‌های بی‌شمار ایشان در سخن نیافریده باشد، زیرا سخن گفتن از امام علی (ع) که به قول صاحب بن عباد جامع تمام فضیلت‌ها می‌باشد، پایانی نخواهد داشت:

«تَجَمَّعَ فِيهِ مَا تَفَرَّقَ فِي الْوَرَى مِنَ الْخُلُقِ وَالْأَخْلَاقِ وَالْفَضْلِ وَالْغُلَى» (۱)

از نظر آفرینش و اخلاق و فضیلت و مجد و بزرگی زیبایی‌هایی در وی جمع شده است که در دیگر مردم پراکنده

است.

از طرفی دیگر زندگی مردان بزرگ به انسان می‌آموزد، چگونه او قادر است، زندگی خود را اعتلا ببخشد و خود را به کمال مطلق نزدیک سازد و ردپایی از خود در بستر زمانه برای آیندگان برجا بگذارد. صاحب بن عبّاد رهروی عاشق است، عاشق مولای متقیان علی(ع)، از این رو منشأ و خاستگاه بیشتر اشعار او الهام از کلام امام(ع) و سیره عملی آن حضرت(ع) و اهل بیت ایشان و احادیثی که از حضرت رسول(ص) درباره ایشان روایت شده، می‌باشد. حضرت عشق(ع) ریشه‌های فلسفه اخلاقی شاعر را چنان آبیاری می‌کند که شاعر توانسته اندیشه‌های خود را در قالب مرواریدهای کلام به رشته نظم درآورد و یک مکتب اخلاقی را که برخاسته از تعالیم مذهب شیعی است، فراروی جویندگان حقیقت قرار دهد. هان! چه خوش سخنی است، سخن گفتن از امیرمؤمنان، مولای متقیان، مراد رهروان راه حقیقت، پس به قول شاعر:

«باده بده - ساقیا - ولی زخمِ غدیر
چنگ بزن - مطربا - ولی به یاد امیر
تو نیز ای چرخ پیر بیا ز بالا به زیر
دادِ مسرت بده ساغرِ عشرت بگیر» (۲)

سیری در زندگی صاحب بن عبّاد

وزیر فرهیخته و شاعر برجسته ایرانی عربی سرا، اسماعیل بن عبّاد بن العباس ملقب به صاحب در سال ۳۲۴ق در اصطخر و بنا بر نوشته برخی از مورخان در طالقان چشم به جهان گشود. (۳) یاقوت حموی می‌گوید: صاحب بن عبّاد در مدت وزارتش که هشت سال و یک ماه به طول انجامید، توانست نزدیک به پنجاه قلعه را برای آل بویه فتح کند؛ به این خاطر نزد آنان از منزلت والایی برخوردار بود. (۴) ثعالبی در *تیمه الدهر* آورده است که هیچ وزیری همچون صاحب، ادبا و شعرا و دانشمندان را در دربار خود گرد نکرده است. (۵) صاحب هم کاتب بود و هم شاعر، مورخان تألیفات وی را ۳۷ اثر شمرده‌اند (۶). بیشتر اشعار صاحب درباره اهل بیت به‌ویژه حضرت علی(ع) می‌باشد. او در سال ۳۸۵ق دار فانی را وداع گفت. در روز مرگش شهرری تعطیل شد و مردم همگی لباس عزا به تن کردند. (۷)

شرف نسبی امام علی(ع)

یکی از فضائل امام علی(ع) این است که با پیامبر(ص) از یک طایفه می‌باشند، صاحب بن عبّاد این فضیلت

امام(ع) را در قالب ابیاتی چند به تصویر می‌کشد و بیان می‌دارد، حضرت(ع) هم نسبت پدری و هم نسبت مادریش به بنی هاشم می‌رسد، نسبی که منزلش به خاطر فضیلت بنی هاشم بر فراز ستارگان است:

«أَيُّ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلُ مَنْ
سَادَ الْأَنْبَاءَ وَ سَاسَ الْهَاشِمِيْنَ» (۸)

ای پسر عمومی رسول الله، تو بهترین کسی هستی که بر مردم و بر طایفه بنی هاشم حکومت کرده‌ای. مادر حضرت(ع) فاطمه بنت اسد نیز از قریش و از بنی هاشم است، چون اسد فرزند هاشم بن عبدمناف بوده و از این رو با ابوطالب عموزاده و با رسول الله(ص) از یک تیره بوده‌اند. ابن ابی‌الحدید در *شرح نهج البلاغه* آورده است: فاطمه بنت اسد نخستین زنی است که پس از خدیجه(س) با رسول(ص) بیعت کردند، چنانکه در مهاجرت به مدینه نیز گوی سبقت را از دیگر زنان ربوده و از پیشتانان این راه می‌باشد. فاطمه به خاطر محبتی که در دوران کودکی همچون مادری مهربان به رسول خدا(ص) کرده بود، به شدت مورد علاقه آن حضرت بود. (۹) به خاطر وجود چنین فضائلی در وجود فاطمه بنت اسد است که شاعر وقتی از عزم و اراده قوی حضرت علی(ع) سخن می‌راند، او را فرزند فاطمه خطاب قرار می‌دهد:

«ذَاكَ ابْنُ فَاطِمَةَ الَّذِي عَزَمَتْهُ
بِيضُ صَوَارِمِ مَالِهَا أَعْمَادُ» (۱۰)

او فرزند فاطمه است، عزم و اراده‌اش همچون شمشیرهای برآنی می‌باشد که نیامی ندارد. در ضمن شاعر بیان می‌دارد از افتخارات حضرت(ع) می‌باشد که نسل رسول الله(ص) به خاطر وجود او جاودان شده است:

«يَا أَصْلَ عَتْرَةِ أَحْمَدَ لَوْلَاكَ لَمْ
يَكُ أَحْمَدُ الْمَبْعُوثُ ذَا أَعْقَابِ» (۱۱)

ای اصل عترت احمد اگر تو نبود، احمد نبی(ص) صاحب نسل نبود.

علی(ع) نخستین مسلمان

مورخان و محدثان همگی اتفاق نظر دارند که علی(ع) از میان مردان، نخستین کسی بود که به دین اسلام گروید و از آن پس راه خود را به دلها و جانها باز کرد و اینکه امام(ع) در چه سنی اسلام آورد، میان مورخان اختلاف نظر است، ولی بیشتر مورخان عقیده دارند او در پانزده سالگی اسلام آورده است. (۱۲) امام(ع) سبقت خود را به اسلام چنین بیان

می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ وَ سَمِعَ وَأَنْابَ وَ أَحَابَ» (۱۳) صاحب بن عبّاد می‌گوید، پیشگام بودن در گرویدن به دین اسلام فضیلتی است که فقط مخصوص حضرت (ع) می‌باشد و هر کسی به این افتخار دست نمی‌یازد:

«فَسَابِقُهُ الْإِسْلَامَ قَدْ سَلَّمَتْ لَهُ
سَوَى أُمِّهِ مِنْ بَعْضِهِ تَتَقَدَّدُ» (۱۴)

پیشقدم بودن در اسلام فقط مخصوص اوست و این نصیب امتی نمی‌شود که از بغض و کینه آن حضرت به تفرقه دچار شده است.

شاعر در جایی دیگر حضرت (ع) را وصی رسول (ص) می‌خواند و به پیشگام بودن وی اشاره می‌کند تا بیان کند



پیشقدم بودن امام (ع) یکی از عوامل برگزیده شدن وی به عنوان جانشین رسول خدا (ص) می‌باشد:

«لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الْوَصِيَّ هُوَ الَّذِي
سَبَقَ الْجَمِيعَ بِسُنَّةٍ وَ كِتَابٍ» (۱۵)

ندانستند که وصی (ع) همان کسی است که در ایمان به کتاب و سنت از همگان گوی سبقت ربوده است.

البته علی (ع) قبل از گرویدن به دین اسلام مشرک نبود. (۱۶) برای اینکه خواننده گمان نکند که امام (ع) پیش از اسلام بت

می‌پرستید، شاعر بیان می‌دارد:

«وَمَا عَرَفَ الْأَصْنَامَ وَ الْقَوْمُ سَجْدُ
لَهَا وَ هُوَ فِي إِثْرِ النَّبِيِّ يُوْحَدُ» (۱۷)

او بتها را نپرستیده در حالی که دیگران در برابر آنها سجده می‌کردند بلکه او در پس پیامبر (ص)، خداوند را به یکتایی می‌خواند.

پیوند آسمانی علی (ع) و فاطمه (س)

یکی از فضائل امام (ع) این است که تنها ایشان لیاقت همسری حضرت فاطمه (س) را داشتند، زنی که پیامبر در حق ایشان فرمودند: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا وَ يُغْضِبُ لِعُضْبِهَا وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» بنابراین شاعر، امام (ع) را بهترین همسر برای بهترین بانوی عالم خلقت، فاطمه (س) می‌داند:

«وَ زَوْجَتُهُ الزَّهْرَاءُ خَيْرٌ كَرِيمَةٌ
لِخَيْرِ كَرِيمٍ فَضْلُهَا لَيْسَ يُحْجَدُ» (۱۸)

و همسرش حضرت فاطمه (س) است که او بهترین زن نجیب برای بهترین مرد ارجمند می‌باشد، همسری که فضیلتش انکارشده نیست.

پیش از علی (ع) بسیاری از بزرگان قریش از فاطمه نزد رسول خدا (ص) خواستگاری کرده بودند ولی پیامبر در پاسخ می‌فرمودند: «أَمْرُهَا إِلَيَّ رَبِّهَا»، فاطمه (س) نیز به هیچ‌یک پاسخ مثبت نمی‌دادند، چون به فرموده رسول خدا (ص)، اگر علی (ع) نبود همسان و همسری برای فاطمه (س) یافت نمی‌شد. «وَلَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا» (۱۹) اینجاست که صاحب می‌گوید، همسر فاطمه (س) بهترین همه انسانها است:

«قَالَتْ: فَمَنْ زَوْجُ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ
فَقُلْتُ: أَفْضَلُ مِنْ حَافٍ وَ مُنْتَعَلٍ» (۲۰)

گفت: پس کیست آنکه فاطمه (س) به ازدواج او درآمد؟ پس گفتم: آنکه برتر است از هر پابرهنه و از هر آنکه کفشی به پا دارد، کنایه از اینکه برتر از همه انسانهاست. پس فقط امام (ع) بهترین وصله برای فاطمه (س) بود:

«أَنْتَ الَّذِي قَدْ زُوِّجَ الزَّ
زَهْرَاءُ يَا خَيْرَ الْوُصَلِ» (۲۱)

تو کسی هستی که زهراء (س) به ازدواج تو درآمد، ای کسی که بهترین وصله برای حضرت فاطمه (س) می‌باشی.

لیلة المییت

از افتخارات بزرگ علی (ع) این است، شبی که حضرت

رسول(ص) به فرموده وحی الهی برای در امان ماندن از قصد سوء مشرکان از مکه به مدینه هجرت کردند، در بستر رسول خدا(ص) خوابیدند تا نقشه‌های مشرکان باطل گردد، این شب تاریخی «لیلۃ المبیّت» نامیده شده است. (۲۲) این جریان افتخارآمیز توجه بسیاری از شاعران را در طول تاریخ به خود جلب نموده است، صاحب بن عبّاد با اشاره به مفاد آیه کریمه: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»، (۲۳) «لیلۃ المبیّت» را فضیلت بزرگی برای حضرت(ع) می‌داند و او را در راه خداوند، ثابت‌قدم‌ترین مردمان به حساب می‌آورد که به آسانی جان خود را در راه نبی اکرم(ص) و اسلام فدا می‌کند:

«وَبَاتَ عَلَيَّ فَرَشُ النَّبِيِّ تَسْمُحًا
بِمُهْجَتِهِ إِذْ أُجْلِبُوا وَتَوَعَّدُوا» (۲۴)

در بستر نبی(ص) خوابید، جانش را در خطر انداخت، زیرا کفار از هر سو برای پیکار گرد آمده و تهدید کرده بودند. چنین ایشاری از عهده هر کسی بر نمی‌آید و هر کسی نمی‌تواند به آسانی از جان خود بگذرد از این رو است که شاعر می‌پرسد:

«هَلْ مِثْلُ فَعْلِكَ فِي يَوْمِ الْفَرَاشِ وَقَدْ
قَدَّيْتُ بِالرُّوحِ خَتَامَ النَّبِيِّنَا» (۲۵)

آیا همچون اینبار تو که در بستر نبی(ص) خوابیدی و روح خود را فدای خاتم الانبیاء(ص) نمودی، وجود دارد؟ چنانکه ضغیر اصفهانی می‌گوید:

«در بستر رسول خدا گاه بذل نفس
آن خفت تا که کند جان فدا کیست؟» (۲۶)

آن‌گاه که صحبت از حفظ جان رسول(ص) و دین مبین اسلام باشد، امام(ع) پابرجاترین می‌باشد و از چیزی نمی‌هراسد:

«قَالَتْ: فَمَنْ بَاتَ مِنْ فَوْقِ الْفَرَاشِ فَدَى
فَقُلْتُ: أَثْبِتْ خَلْقَ اللَّهِ فِي الْوَجَلِ» (۲۷)

احمد سهیلی خوانساری معنی بیت بالا را به زیبایی تمام بیان کرده است:

گفت: در بستر به جای او شبانگهان که خفت؟
گفتم: آن کو گاه بیم از جمله پابرجاترست (۲۸)

پیوند اخوت

پیامبر(ص) بعد از آمدن به مدینه و تشکیل حکومت برای اینکه بتواند مشکلات جامعه را آسان‌تر برطرف کند، براساس دستور قرآن که مؤمنان برادر یکدیگرند، اقدام به عقد اخوت بین مسلمانان کرد و هر دو نفر آنان را با

هم برادر خواند، به خاطر فضائل ویژه‌ای که در وجود امیرالمؤمنین(ع) بود، پیامبر(ص) او را به عنوان برادر خود برگزیدند، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «...إِخْوَانًا عَلَيَّ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (۲۹)

صاحب بن عبّاد وقتی از برادری پیامبر(ص) و علی(ع) سخن می‌راند، به مفاد حدیث پیامبر(ص) که فرمودند: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»، (۳۰) اشاره می‌کند و منزلت علی(ع) را در برابر پیامبر همچون منزلت هارون نسبت به موسی می‌داند:

«حَالُهُ حَالُهُ هَارُونَ لِمُوسَى فَأَفْهَمَاهَا» (۳۱)
ترجمه: موقعیت او، وی را شایسته جایگاه هارونی نسبت به موسی قرار داد و او این موقعیت را درک کرده است.

آن‌گاه شاعر، دشمنان حضرت علی(ع) را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید از آنجایی که علی(ع) برادر بهترین پیامبر(ص) است، آنان در برابر عظمت منزلت امام(ع)، دو



راه بیش ندارند؛ یا باید سر به زیر افکنند و خموش باشند، یا باید فرمانبردار باشند و راه هدایت را در پیش بگیرند:

«عَلَيَّ أَحْوَى خَيْرِ النَّبِيِّينَ فَأَخْرَسُوا
أَوْ اسْتَبَصَرُوا فَالرُّشْدُ أَذْنَى وَأَقْصَدُ» (۳۲)

علی(ع) برادر بهترین پیامبران است پس ای منکران لال شوید یا بصیرت بجویید، البته بصیرت و هدایت راهی نزدیک‌تر و هموارتر است.

قسیم الجنّة و النار

از جمله روایاتی که بر جایگاه والای علی(ع) نزد خداوند دلالت می‌کند، روایاتی است که رسول خدا(ص) در آنها بیان می‌کند که خداوند در قیامت تقسیم بهشت و جهنم را در اختیار علی(ع) می‌گذارد، به عنوان نمونه به این روایت توجه کنید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «يَا عَلِيُّ أَمَّا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۳۳) این روایت از چنان شهرتی برخوردار است که مفاد آن در شعر بسیاری از بزرگان آمده است، از جمله امام شافعی در اشعاری که در وصف امام علی(ع)

سروده به این حدیث اشاره می کند:

«عَلِيَّ حُبُّ جَنَّةٍ

قَسِيمِ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ

وَصِيَ الْمُصْطَفَى حَقًّا

إِمَامُ النَّاسِ وَ الْجَنَّةِ» (۳۴)

صاحب بن عبّاد با اشاره به اینکه رأی و اندیشه امام (ع) برتر از اندیشه و نظر هر کس دیگری است و حضرت از هرگونه اشتباهی در داوری کردن به دور می باشد، بنابراین اوست که می تواند صاحب چنین افتخاری باشد، چنین می گوید:

«قَالَتْ مَنْ ذَا قَسِيمِ النَّارِ يُسْهَمُهَا

فَقُلْتُ: مَنْ رَأَيْهُ أَذْكَى مِنَ الشُّعْلِ» (۳۵)

گفت: پس کیست آنکه قسمت کننده آتش جهنم است و سهم هر کسی را مشخص می کند، پس گفتیم: آن کس که رأی و اندیشه او از شعله های آتش هم فروزان تر است.

«أَرْوَاةِ النَّبِيِّ مِنَ الَّذِي

يُدْعَى قَسِيمِ النَّارِ يَوْمَ الدِّينِ؟» (۳۶)

ای راویان آثار پیامبر (ص) آن کیست که در روز قیامت تقسیم کننده آتش جهنم است؟ بیت زیر از سید مصطفی آرنگ پاسخی زیبا و دلنشین بر پرسش شاعر ماست:

«قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَ نَارِ اسْتِ مَوْلَا

خدا را گنج اسرار است مولا» (۳۷)

حدیث ردّ الشّمس

از اسماء بنت عمیس نقل شده است پیامبر زمانی که سر به زانوی علی (ع) خوابیدند و نماز عصر امام (ع) قضا شد، دعا کردند خدا خورشید را برای او بازگرداند تا امام (ع) نماز خود را بخوانند و این در سال هفتم هجرت رخ داد. (۳۸) صاحب بن عبّاد این واقعه شگفت انگیز را در فضیلت علی (ع) در برخی از قصاید دیوان به تصویر کشیده است، از آن میان می توان به ابیات زیر اشاره کرد:

«أَنْتَ الَّذِي رُدَّتْ عَلَيْهِ

الشَّمْسُ بَعْدَ الطُّفْلِ» (۳۹)

تو کسی هستی که خورشید پس از غروب به خاطر عظمت بازگردانده شد.

«رُدَّتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ

بَعْدَ مَا غَابَ سَنَاهَا» (۴۰)

خورشید پس از آنکه نورش پنهان شده بود، به خاطر وی بازگشت.

نزول سوره «هَلْ أَتَى» در شأن امام (ع)

صاحب «مجمع البیان» گفته است: تمام خاص و عام روایت کرده اند که آیات ۵ تا ۲۲ سوره مبارکه انسان، درباره علی (ع) و اهل بیت آن حضرت می باشد. داستان از این قرار است، مقداری نان جو نزد اهل بیت آن حضرت بود، مسکینی بر آنان وارد شد، علی (ع) ثلث آن نان را به او بخشیدند، دیری نیاید یتیم نیازمندی آمد، امام (ع) ثلث دیگر را بر او دادند، سپس اسیر در مانده ای بر آنان وارد شد، حضرت (ع) ثلث باقی را به او دادند و خودشان با آنکه روزه بودند از آن نچشیدند، خداوند در فضیلت امام (ع) و اهل بیت وی این آیات را نازل کرد. (۴۱) صاحب همچون بسیاری از ادیبان و شاعران از این فضیلت امام علی (ع) و اهل بیت وی الهام می گیرد تا ویژگی بشر دوستی و مردم خواهی امام (ع) و اهل بیت وی را به مردم نشان دهد تا چراغی فراروی بشر در فراز و نشیبهای زندگی باشد و مردم فراگیرند چگونه باید در هنگام مشکلات در راه خشنودی خداوند، دیگران را بر خود مقدم سازند:

«أَنْتَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ «هَلْ أَتَى» وَ مَا رَحَلَ» (۴۲)

تو کسی هستی که «هل أتى» (آیاتی از سوره انسان) در شأن تو نازل شد.

«هَلْ مِثْلُ بَذَلِكَ لِلْعَانِي وَ الْأَسِيرِ وَ اللَّطِّ

طِفْلِ الْيَتِيمِ وَ قَدْ أُعْطِيَ مَسْكِينًا» (۴۳)



حدیث الطیر و علی (ع) محبوب ترین انسان نزد خداوند و رسول خدا (ص)

عموم مسلمانان به درستی این حدیث اعتراف نموده اند که روزی زنی مرغی بریان برای رسول (ص) هدیه آورد، آن حضرت (ص) قبل از خوردن دعا فرمودند: «اللَّهُمَّ اِنْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيَّ وَ اِيَّتِكَ حَتَّى يُأْكَلَ مَعِيَ مِنْ هَذَا الطَّيْرِ» (۴۴) از انس بن مالک نقل شده وقتی حضرت (ص) مشغول این دعا بودند، علی (ع) سه مرتبه در خانه رسول (ص) آمدند ولی انس مانع وی می شد، تا این فضیلت نصیب فردی از اقوام وی نشود، در مرتبه سوم علی (ع) پای خود را به در می کوبید و حضرت (ص) به او اذن دخول می دهند و این مقام فضیلت نصیب امام (ع) می گردد. (۴۵) صاحب بن عباد با تلمیح به حدیث بالا که بیانگر منزلت علی (ع) نزد خداوند و رسولش می باشد، امام (ع) را محبوب ترین فرد نزد رسول (ص) و بهترین پیشوا می خواند:

«قَالَتْ: فَمَنْ دُعِيَ لِلطَّيْرِ يَأْكُلُهُ

فَقُلْتُ: أَقْرَبُ مَرْضَى وَ مُتَّحِلٍ» (۴۶)

گفت چه کسی است آنکه فراخوانده شد تا مرغان بریان را بخورد؟ گفتم: او همان نزدیک ترین محبوب و پیشواست. چنانکه مهدی سهیلی در این باره سروده است: «گفت: یا احمد که خورد از مرغ بهشت گفتم: آن کو بر همه خویشان پیغمبر سر است» (۴۷)

علم و دانش امام (ع)

خداوند در آیه ۱۸۹ سوره بقره فرموده است: «...وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...». در این آیه مبارکه خدای متعال تذکر می دهد که هر مقصدی را از راهش بروید و هر مطلوبی را از درش وارد شوید، یکی از چیزهایی که مطلوب هر عاقلی است، دانش است. حضرت رسول (ص) بارها در احادیث تأکید ورزیده اند که علی (ع) دروازه علم نبوی است و نسبت به هر چیزی که در جهان خلقت می باشد، عالم و آگاه است. از جمله فرموده اند: «هُوَ هَذَا أَنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ». (۴۸) امام (ع) خودشان در مواضع متعدد از فزونی علم خود خبر داده اند، چنانکه گاهی دست بر شکم خود می نهادند و به علم فراوانی که در سینه داشتند اشاره می کردند: «إِنَّ هَهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا» (۴۹) علم و دانش بی حد و انتهای امام (ع) و مفاد احادیث فراوانی که درباره علم ایشان روایت شده، توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است. صاحب بن عباد نیز بارها در

اشعار خود به احادیث نبوی درباره علم حضرت (ع) اشاره کرده است تا پویندگان راه علم را به کانون دانش هدایت کند و اذعان نموده است، علم حضرت (ع) چنان هست که همگان نیازمند وی می باشند:

«وَلَمْ يَكْ مُحْتَاجًا إِلَى عِلْمٍ غَيْرِهِ

إِذَا احتَاجَ قَوْمٌ فِي القَضَايَا فَبُلدُوا» (۵۰)

او به علم و دانش کسی نیازمند نبود، آن هنگام که مردم در قضایا نیازمند بودند و از جایی به جای دیگر می رفتند.

زیرا حضرت (ع) دروازه علم پیامبر می باشند و جایگاهشان

دراوج قله علم و دانش می باشد:

«قَالَتْ: فَمَنْ ذَا عَدَا بَابَ المَدِينَةِ قُلْ

فَقُلْتُ: مَنْ سَأَلُوهُ العِلْمَ لَمْ يَسَلْ» (۵۱)

برایم قله های دانش و آنکه بر بالای آنها مأوی گزید را یاد کنید.

غدیر خم و ولایت علی (ع)

در سال دهم هجرت، پیغمبر (ص) به دنبال وحی الهی در محل غدیر خم، علی (ع) را به عنوان وصی و جانشین خود برگزید، حضرت رضا (ع) در عظمت روز غدیر فرموده اند: «روز غدیر در میان روزهای عید قربان و عید فطر و جمعه بسان ماه است در میان ستارگان» (۵۲) کمتر شاعری را می توان یافت که به نوعی به فضیلت و منزلت بزرگ امام (ع) اشاره نکرده باشد. صاحب عقیده دارد که چشم منکران ولایت حضرت (ع) را در غدیر خم پرده جهالت کور کرده بود و این منکران که شایستگی امام (ع) را نادیده می گیرند، بهتر آن است که همیشه نابینا بمانند:

«وَعَسَوْا فِي يَوْمِ خُمٍ

لَا جَلَا لَهِ عَسَاهَا» (۵۳)

در روز غدیر خم منکران نابینا شده بودند، خداوند پرده نابینایی را از چشمان منکران برینندازد.

عظمت امام (ع) به خاطر این ولایت به اندازه ای است که شاعر عقیده دارد مجد و عظمت، منزلت خود را مدیون وجود علی (ع) می باشد:

«وَقَالُوا عَلِيٌّ عَلا قُلْتُ: لَا

فَأَنَّ العُلِيَّ بَعَلِيَّ عَلا

وَلَكِنْ أَقُولُ كَقَوْلِ النَّبِيِّ

وَ قَدْ جَمَعَ الخَلْقَ كُلَّ المَأْ

أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلِي لَهُ

يُوالِي عَليًّا وَ إِلا وَ فَلا» (۵۴)

گفتند که علی (ع) عظمت یافت، گفتم نه زیرا بزرگی با

علی(ع) عظمت یافت، مثل گفتار پیامبر(ص) در حالی که همه مردم را جمع کرده بودند می‌گویم، آگاه باشید هر که من مولای او هستم باید ولایت علی را بپذیرد و گرنه مولای او نیستم.

آیا کسی تواند قرآن را چنانکه تو تدوین نمودی جمع کند؟ تو الفاظ قرآن را می‌شناسی و از معنی و تأویل و تفسیر آن آگاه هستی.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که صاحب بن عبّاد عاشق و دل‌باخته حضرت علی(ع) بوده، عشق امام(ع) و اهل‌بیت ایشان منشأ و خاستگاه کلام و اندیشه و مکتب اخلاقی وی می‌باشد و شاعر به خاطر آگاهی فراوان خود از زندگی امیرالمؤمنین(ع) و فضیلت‌های بی‌شمار ایشان توانسته تصویرهای فنی و زیبایی را ترسیم کند، بدون اینکه راه مبالغه و افراط در پیش بگیرد، تا به این ترتیب راه رسیدن به حقیقت و کمال را برای پویندگان و رهروان راستین هموار سازد.

علی(ع) نخستین تدوین‌کننده قرآن کریم

حضرت علی(ع) نخستین کسی است که بعد از رحلت رسول‌الله(ص) با در نظر گرفتن ترتیب نزول قرآن، اقدام به تدوین آن فرمودند که با تأسّف مورد پذیرش قرار نگرفت، تا اینکه در زمان عثمان قرآن با ترتیب فعلی تدوین و در اختیار مسلمانان قرار گرفت که مورد تأیید کلیه فرق اسلامی است(۵۵) صاحب بن عبّاد معتقد است که امام(ع) بهترین جامع قرآن است؛ زیرا کسی همانند وی آگاه به

تأویل و تفسیر قرآن نمی‌باشد:

«هَلْ مِثْلُ جَمْعِكَ لِلْقُرْآنِ تَعْرِفُهُ
لَفْظًا وَ مَعْنَى وَ تَأْوِيلًا وَ تَبْيِينًا»(۵۶)

پی‌نوشتها

۱. دیوان، ص ۱۸۱.
۲. دیوان مفتقر، ص ۱۰۷.
۳. وفیات الأعیان، ج ۱، ص ۲۳۱.
۴. معجم الأدباء، ج ۴، ص ۲۸۰.
۵. یتیمۃ الدهر، ج ۳، ص ۲۲۵.
۶. دیوان، ص ۱۸.
۷. تاریخ آداب اللغة العربیة، ج ۱، ص ۵۸۴.
۸. دیوان، ص ۶۷.
۹. زندگانی امیرالمؤمنین(ع)، ص ۵۰.
۱۰. دیوان، ص ۷۷.
۱۱. دیوان، ص ۶۵.
۱۲. زندگی دوازده امام، ج ۱، ص ۱۵۴.
۱۳. پژوهشی عمیق پیرامون زندگی علی(ع)، ص ۳۵.
۱۴. دیوان، ص ۲۶.
۱۵. دیوان، ص ۱۰۰.
۱۶. ابوطالب یگانه مدافع اسلام، ص ۳۵.
۱۷. دیوان، ص ۲۷.
۱۸. همان.
۱۹. زندگانی امیرالمؤمنین(ع)، ص ۹۳.
۲۰. دیوان، ص ۳۰.
۲۱. دیوان، ص ۴۶.
۲۲. قصه‌های قرآن، ص ۴۲۱.
۲۳. بقره، ۲۰۷.
۲۴. دیوان، ص ۲۷.
۲۵. دیوان، ص ۶۷.
۲۶. شناخت امام مبین، ص ۱۱۰.
۲۷. دیوان، ص ۳۰.
۲۸. مناقب علوی، ص ۳۲۸.
۲۹. حجر، ۴۷؛ سیمای امام علی(ع) در نگاه نبی، صص ۲۰۰-۲۰۱.
۳۰. همان، ص ۲۰۱.
۳۱. دیوان، ص ۸۲.
۳۲. دیوان، ص ۲۶.
۳۳. بوستان معرفت، ص ۶۳۰.
۳۴. سیمای امام علی(ع)، ص ۱۷۴.
۳۵. دیوان، ص ۳۲.
۳۶. دیوان، ص ۸۳.
۳۷. نمى از دریا، ص ۱۴۱.
۳۸. الغدير، ج ۵، ص ۲۲۹.
۳۹. دیوان، ص ۴۶.

۴۰. دیوان، ص ۷۴.
۴۱. رساله تولی و تبری، ص ۱۹۴؛ تفسیر مجمع البیان، جزء ۲۹، صص ۵۲۸ و ۵۲۹.
۴۲. دیوان، ص ۴۷.
۴۳. دیوان، ص ۶۹.
۴۴. امیرالمؤمنین اسوه وحدت، ص ۶۵.
۴۵. شبهای پیشاور، صص ۳۶۶-۳۶۹.
۴۶. دیوان، ص ۳۱.
۴۷. مناقب علوی، ص ۳۲۹.
۴۸. سیره عملی اهل بیت، صص ۴۹-۵۰.
۴۹. همان، ص ۵۱.
۵۰. دیوان، ص ۲۷.
۵۱. دیوان، ص ۳۲.
۵۲. عیدغدیر در مدرسه اهل بیت(ع)، ص ۸.
۵۳. دیوان، ص ۷۴.
۵۴. دیوان، ص ۱۷۶.
۵۵. حلیة القرآن، ج ۲، صص ۷ و ۶.
۵۶. دیوان، ص ۶۸.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خلکان، ابی العباس، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ج ۱، بیروت، دارالتقافه، بی تا.
۳. ابن عبّاد، صاحب، دیوان الصاحب بن عبّاد، شرحه ابراهیم شمس الدین، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.
۴. ابن عباس، شیخ جواد، رساله تولی و تبری، انتشارات فقه، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۵. ارفع، سید کاظم، سیره عملی اهل بیت، تهران، نشر فیض کاشانی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۶. امیری، مهدی، نمی از دریا، مشهد، نشر نخست، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۷. امینی، الغدیر، مترجم دکتر جمال موسوی، ج ۵، بنیاد بعثت، ۱۳۶۲ ش.
۸. تلافی، علی اکبر، عید غدیر، تهران، نشر ریحان، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۹. ثعالبی، أبو منصور، تینمة الدهر، ج ۳، بیروت، بی تا.
۱۰. جواد المولی، محمد احمد، قصه های قرآن، مترجم مصطفی زمانی، قم، پژواک اندیشه، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. حسینی تهرانی، سید هاشم، بوستان معرفت، قم، نشر منیر، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. حموی، یاقوت، معجم الأدباء، ج ۴، بیروت، دارالمشرق، بی تا.
۱۳. رادفر، ابوالقاسم، مناقب علوی در آئینه شعر فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی امیرالمؤمنین(ع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. زیدان، جرجی، تاریخ آداب اللغة العربیة، ج ۱، بی جا.
۱۶. سبحانی، جعفر، پژوهشی عمیق پیرامون زندگی علی(ع)، تهران، نشر جهان آرا، بی جا، بی تا.
۱۷. سیّاح، احمد، شناخت امام مبین، تهران، نشر اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۸. شری، محمد جواد، امیرالمؤمنین اسوه وحدت، مترجم محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۱۹. شیرازی، سلطان الواعظین، شبهای پیشاور، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، مترجم علی کریمی، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، بی تا.
۲۱. طبسی، آیت الله محمدرضا، ابوطالب یگانه مدافع اسلام، مترجم محمد مهی، انتشارات قائم، بی تا.
۲۲. غروی اصفهانی، علامه شیخ محمد حسین، دیوان مفتقر، نشر آفاق، ۱۳۶۱ ش.
۲۳. مرتضوی، سید محمد، سیمای امام علی(ع) در نگاه نبی(ص)، نشر امام محمدباقر(ع)، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. معروف الحسنی، هاشم، زندگی دوازده امام، مترجم محمد مقدس، ج ۱، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. موسوی بلده، سید محسن، حلیة القرآن، ج ۲، نشر احیاء کتاب، بی تا.